

## بررسی کارکردهای هویت‌بخش هنر شهری دیوارنگاری در شهر ایرانی اسلامی

دکتر بهنام زنگی\*

عضو هیات علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

سید بدرالدین احمدی

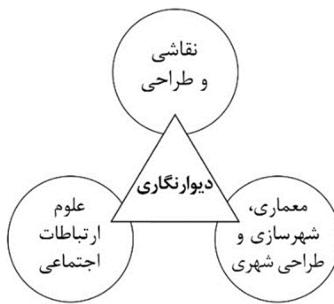
مربی آموزشی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

دیوارنگاری از جمله هنرهای شهری است که از ظرفیت‌ها و کارکردهای شهری و ساختار فرهنگی و تاریخی قابل توجهی برخوردار است. حضور این هنر در فضای شهری و کارآیی‌های آن در فرهنگ، هویت ملی، حیات جمعی شهری، امور تجاری، تبلیغات و آموزش‌های شهروندی امری انکارناپذیر است. دیوارنگاری یکی از شاخه‌های هنرهای تجسمی است. آن چه که شناخت ما را از پیرامون مان سازماندهی می‌کند، تصویری است که از آن در ذهنمان شکل می‌گیرد. اعلام، اشاعه و تحکیم موضع فرهنگی و بنیان‌های هویتی در شهرهای ایرانی می‌تواند از طریق آثار دیوارنگاری صورت گیرد و دیوارنگاره‌ها می‌توانند به تطبیق سیمای شهر با هویت و فرهنگ آرمانی آن کمک کنند. اهمیت تصویر در شهر، به ویژه زمانی که در قالب اثر هنری ارایه می‌شود، از این جهت است که می‌تواند کارکردهای متعددی داشته و در جایگاه‌های مختلف، ایفای نقش کند. سه رویکرد و عملکرد دیوارنگاره‌ها به عنوان تصاویر هنری شهری شامل «هنری»، «ارتباطی» و «کاربردی» در سه ساحت «هنرهای تجسمی»، «ارتباطات اجتماعی» و «معماری-شهرسازی» است که منظر، کالبد و فضای شهری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی به دنبال تبیین کارکرد دیوارنگاره‌ها در هویت‌بخشی شهری و کمک به بازآفرینی هویت ایرانی-اسلامی در شهرهای ایرانی است. نقش هویت ساز دیوارنگاری شهری از طریق شناسایی کارکردهای آن در حوزه‌های پیرامونی اش شامل «هنرهای تجسمی»، «ارتباطات اجتماعی» و «معماری-شهرسازی» قابل شناسایی و معروفی است. بررسی سه محور «رزش‌های فرهنگی-هنری»، «ظرفیت گفتمانی و رسانه‌ای» و نیز «کارکردهای زیباسازی و تربیتنی» به عنوان حوزه‌های مهم اجتماعی که خروجی و تاثیرات دیوارنگاری در آن‌ها قابل تشخیص، ارزیابی و تحقق است، بر ما روش می‌سازد که دیوارنگاری شهری به عنوان یک هنر شهری با پشتونهای چشمگیر تاریخی، هنری، فرهنگی و اجتماعی، در زمینه هویت‌بخشی به فضاهای شهری، از قابلیت‌های ویژه‌ای برخوردار است. فرض این پژوهش بر این مساله استوار است که هویت‌بخشی دیوارنگاری به شهر ایرانی-اسلامی می‌تواند از طریق اشاعه و تحکیم الگوهای تبیین شده برای شهر اسلامی در ساحت‌های هنر، ارتباطات و معماری محقق شود.

### واژگان کلیدی:

دیوارنگاری، هنرهای شهری، هویت شهری، هویت ایرانی اسلامی، ارتباطات اجتماعی



نمودار ۱: دیوارنگاری شهری و حوزه‌های سه‌گانه پیرامون آن مأخذ: نگارندگان

هرگز آن چنان که باید مورد توجه و مطالعه قرارنگرفته است. ظرفیت‌های ارتباطی و کارکردهای اجتماعی ناشی از آثار دیوارنگاری باید از سوی پژوهشگران ارتباطات و علوم اجتماعی، مورد توجه و مطالعه قرار گیرد.

فقدان مطالعه و در نتیجه آن، عدم شناخت کافی نسبت به هنر و مهارت دیوارنگاری از سوی سه عرصه یادشده، آن را به هنر و مهارتی مهجور تبدیل کرده است که برغم استفاده مداوم و تولید متکثر آن در محیط‌های شهری، کمتر به نمونه‌های موفق و ارزشمند، مطابق با ارزش‌های انسانی فاخر، مفاهیم و مصدق‌های ذاتی و قابلیت‌های متعدد این هنر برمی‌خوبیم. این در حالی است که وجود هنر دیوارنگاری در بین سه ضلع یادشده می‌تواند به بهره‌مندی این هنر از ظرفیت‌های افزوده‌شده ناشی از این پیوند و ارتقای ماهیتی و کارکردی بینارشته‌ای منجر شود. در پژوهش حاضر با فرض تاثیر دیوارنگاری شهری بر هویت شهری از طریق سه گانه هنر، معماری و ارتباطات، به چگونگی ایجاد نقش آن در هویت‌بخشی به محیط پیرامونی پرداخته شده است.

سوال‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. آیا دیوارنگاری شهری در روند شکل‌گیری فرهنگ جمعی و احیای هویت شهری تأثیرگذار است؟
۲. دیوارنگاری شهری از طریق رویکردهای مختلف خود، چه تاثیراتی بر کیفیت هویت شهری دارد؟

دیوارنگاری از جمله هنرهای شهری است که علاوه بر ظرفیت‌ها و کارکردهای شهری، از ساختار فرهنگی و تاریخی قابل توجهی نیز برخوردار است. حضور این هنر در فضای شهری و کارآیی‌های آن در فرهنگ، هویت ملی، حیات جمی شهری، امور تجاری‌سازی، تبلیغات و گسترش پیام‌های اخلاقی، امری انکارناپذیر است. قرارگرفتن این هنر در میان سه ضلعی هنر نقاشی، معماری-شهرسازی و ارتباطات اجتماعی (نمودار ۱) باعث شده است که در هر یک از این اضلاع به میزان ارتباط موضوعی و کاربردی، توجهی گذرا و فارغ از اقتضای اضلاع دیگر به این هنر شده و نگرشی جامع و متأثر بر هر سه ضلع یاد شده بهطور همزمان به این هنر نشود. رابطه آثار دیواری را با سه عرصه یادشده به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

عرصه هنر: دیوارنگاری به عنوان یکی از عمده‌ترین روش‌های تولید هنری در زمینه هنرهای تجسمی بوده و به لحاظ قدمت تاریخی، ارزش استثنایی، ویژگی‌های هنری و قابلیت‌های زیباسازی و هویت‌بخشی، در زمرة مهمترین رشته‌ها و گونه‌های هنری است. میزان اثربخشی دیوارنگاری و ارزش و نقش‌آفرینی این هنر باید از سوی پژوهشگران هنر مورد توجه قرار گیرد.

عرصه معماری و شهرسازی: دیوارنگارهای یکی از موثرترین ابزارهای طراحی شهری هستند که از این منظر توجه جدی و درخوری به آن‌ها نشده و نقش آن‌ها در زیباسازی محیط، هماهنگی فضاهای شهری، پیشبرد اهداف طراحی شهری و ارتقای کیفیت آثار معماری نادیده گرفته شده است. ارزش‌های کارکردی و پیوستگی دیوارنگاری با شهرسازی باید از سوی پژوهشگران حوزه معماری، شهرسازی و طراحی شهری، مورد مطالعه قرار گیرد. «تفکیک معماری و نقاشیدیواری مشکل است، چرا که معماری، خود مجموعه‌ای از فضاهای و حجم‌های رنگی با ویژگی‌های گوناگون بصری می‌باشد و به‌واسطه همین سطوح رنگی، اجسام رنگی و فرم‌هایی که به خودی خود یک اثر هنری مستقل محسوب می‌گردند با نقاشی دیواری در ارتباط قرار می‌گیرد».

(کفشهچیان مقدم، ۱۳۸۳: ۷۶)

عرصه ارتباطات اجتماعی: آثار دیوارنگاری در محیط بهمثابه رسانه‌ای ساکن و گویا که همواره در حال انتقال پیام‌اند، عمل می‌کنند. ظرفیت و عملکرد ارتباطی دیوارنگارهای دیوارنگاری آن‌ها

## روش پژوهش

در این تحقیق، از روش تحلیلی-تصویفی همراه با خمیرمایه اکتسافی در حوزه‌های علوم انسانی، فرهنگ، هنر و ارتباطات اجتماعی استفاده شده است. لازم به ذکر است که هدف اصلی از این پژوهش، تبیین نقش کارکردی دیوارنگارهای در هویت‌بخشی شهری و کمک به بازآفرینی هویت ایرانی-اسلامی در شهرهای ایرانی است.

## چارچوب نظری تحقیق

### ۱. هنرهای شهری

هنرهای شهری به مجموعه‌ای از رشته‌های هنری، تولیدات و آثار

هنری اطلاق می‌شود که در محیط اجتماعات شهری امکان طراحی، تجلی و عرضه می‌یابد. این هنرها طیفی از نemasازی در منظر، گرافیتی، خوشنویسی، دیوارنگاری، احجام و مجسمه‌سازی، باغ‌آرایی، تبلیغات محیطی، میلان شهری و نظایر آن را در بر می‌گیرند. هر چند هر یک از موارد یاد شده به یکی از عرصه‌های تخصصی یا شاخه‌های هنری تعلق دارند، اما کارکرد آن‌ها در فضای شهری و امكان استفاده از آن‌ها در راستای ترسیم، ترمیم و جلوه‌بخشیدن به سیمای شهر، آن‌ها را تحت تعریف نسبتاً جدیدی از هنرهای شهری قرار داده است. ماهیت هنرهای شهری، استفاده عمومی از آن‌ها در محیط شهری است.

فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و ساختار مادی- فیزیکی و کالبدی شهرها پدیدمی‌آید. شکل گیری شهرها از طریق تجمع فرهنگ‌های مختلف و شهروندانی با اهداف و هویت‌های قومیتی و فرهنگی گوناگون، همواره آن‌ها را از نظر یکپارچگی و هویت با مخاطراتی مواجه می‌کند. «از آن‌جا که شهرها بیشترین هدف پیشرفت اقتصادی قرار گرفته‌اند و بیم نابودی هویت فرهنگی در آن‌ها بالا گرفته است، توجه به توسعه پایدار و توسعه فرهنگی در آن‌ها به مراتب اهمیت بیشتری یافته است» (معیدفر، ۱۳۹۱: ۲۰). این مساله ناشی از اهمیت فرهنگ و

سرشاخه‌های متنوع آن در هویت‌بخشی به شهر است. «فرهنگ در شهر، نقش ارتباط‌دهنده بین شهروندان در بستر فضاهای شهری ایجاد می‌کند و فقدان ارتباط در این زمینه، موجب بی‌هویتی و بحران هویت در شهر خواهد شد» (شفیعی‌کمال‌آباد، ۱۳۹۱: ۲۷۱).

خواستگار فکری، دین، قومیت، شغل و پیشه، موقعیت اقتصادی، دانش و تحصیلات، از جمله عواملی هستند که از طریق ساختن هویت فردی شهروندان، هویت جمعی و هویت شهر را شکل می‌دهند. در نظام شهری، هر یک از عناصر فوق باید مطابق با میزان تاثیر خود مورد توجه باشند و حفظ، احیا یا ترمیم هویت مستلزم شناخت و احترام به این عناصر است. «چنانچه به تاثیر و نقش هر یک از هویت‌های مختلف در توسعه فرهنگی شهرها کم‌توجهی گردد از مجموعه عوامل فرهنگی بر جسته (مذهب، ملیت و غیره) گرایش صرف به یک یا دو هویت خاص، باعث نارسانی در توسعه فرهنگی شهر خواهد شد» (همان: ۲۹۶).

#### ۴. شهر ایرانی- اسلامی

اساس هویت پیشین به شهرها برگرفته از هویت معنایی و اجتماعی آن‌هاست که این نوع از هویت بر کالبدی هر فرد نیز اثر داشته و صفات ساختاری و ظاهری آن را نیز تحت الشاعن قرارمی‌دهد. شهر ایرانی اسلامی نیز از این منظر باید بیانگر صفاتی ملی و دینی باشد. «در قرآن کریم، در اشاره به مراکز جمعیتی دو نوع نگرش و معیار مطرح شده که یکی با مشخصات ظاهری و کالبدی آن‌ها سروکار دارد و دیگری با باطن و روح آن‌ها» (ملکی، و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). صفت ایرانیت شهرها می‌تواند تابع الگوها و دستاوردهای بومی ایرانیان در روند معماری و معیار شهرسازی باشد که در ترکیب با اسلام، معماری با شکوه اسلامی را در محدوده جغرافیایی تحت نفوذ فرهنگ ایران پدیدآورده. صفت اسلامیت نیز می‌تواند میان نگرش اسلام به هویت و فرهنگ فرد مسلمان و اجتماعات مسلمانان باشد. وفق آینین اسلام با تمدن ایرانی که از زمینه‌های اصلی شکل‌گیری تمدن باشکوه اسلامی است، عناصر هویتی ایرانی را و پیشگی جدیدی برخوردار ساخت که هماناً بینش اسلامی و دین اسلام بود. تمدن اسلامی، حاصل تتفیق باورها و نگرش اسلامی با فرهنگ‌های پیش از آن بود که در هر سرزمینی رواج یافته و اصول، فرهنگ و سنت‌های خاص خود را ایجاد کرده بودند. این امتراج و هم‌آمیزی در معماری و شهرسازی نیز بروزی آشکار داشت. «در حدود یک قرن و اندی پس از ظهور اسلام، از آمیزش فرهنگ و تمدن‌های کهن منطقه، در چهارچوب آشتی اصول پذیرفته شده گذشتگان و خواسته‌های معنوی و اخلاقی و اجتماعی اسلام، آن‌چه امروز به نام تمدن اسلامی شناخته می‌شود، شکل‌گرفت. به تبع این اشتراک در هویت و عقیده، در مراکز جمعیتی این تمدن نیز

نقش آفرینی و کارکرد هنرهای شهری از طریق ارزیابی کارآیی آن‌ها در زمینه زیباسازی، هماهنگ‌سازی و هویت‌بخشی به محیط‌های شهری قابل بررسی است. «الجزای تشکیل دهنده شهر در صورت تعیت از اصول ترکیب و هماهنگی در رنگ‌ها، فضایی مطلوب و آرامش‌بخش برای شهروندان خواهد ساخت» (بیجاری، کبیر، ۱۳۸۷: ۵۱). هنرهای شهری نیز در صورت تعیت از الگویی نظام‌مند و هماهنگ می‌توانند در ایفای نقش فرهنگی خود عملکردی موفق داشته باشند.

#### ۲. دیوارنگاری

هنر دیوارنگاری<sup>۱</sup> از منظر این پژوهش به هرگونه روش و فنون ایجاد تصویر و نقش‌برجسته با مواد و مصالح مختلف اطلاق می‌شود که بر روی دیوارهای دست‌ساخته یا دیوارهای طبیعی و دیگر انواع نماها و جدارهای که در محیط‌های عمومی باز و بسته وجود دارد، اجرا می‌شود. «نقاشی دیواری شهری از انواع دیگر نقاشی به‌واسطه ویژگی‌های تبلیغاتی آن‌ها، متمایز است؛ به عبارت دیگر آثار این هنر در مکان‌های عمومی برای عموم مردم تولید شده‌اند» (AZADI, 2012: 5).

دیوارنگاری گونه‌ای از هنر نقاشی است که روی دیوارهای حاصل از صنعت معماری، دیوارهای مصنوعی و سطوح طبیعی و انواع جدارهای کار می‌شود. دیوارنگاری یکی از روش‌های تولید هنری در حوزه هنرهای تجسمی است که به لحاظ قدمت و پیشینه تاریخی می‌توان آن را مادر هنرهای تصویری نامید، زیرا این هنر از اولین تجربه‌های انسان در ایجاد ارتباط، تجسم بخشیدن به انگاره‌های ذهنی و ثبت و روایت مکنوتات اوست. آثار دیواری باقیمانده از اعصار مختلف جزو عمدت‌ترین اسناد تاریخی و فرهنگی تمدن بشری هستند و ویژگی‌های هویت فرهنگی اجتماعی زمان خود را بازگو می‌کنند.

در بررسی تاریخی دیوارنگاری این نکته را باید در نظر داشته که «نقاشی دیواری در اعصار تاریخی، با آن‌چه ما امروزه بهنام نقاشی دیواری می‌خوانیم خاستگاهی سس متفاوت دارد و این خاستگاه در هر دوره، بنا بر شرایط و مقتضیات موجود، رنگ و بوی منحصر به‌خود را گرفته است. نقاشی دیواری در بستر زمان بنا بر محدوده تاریخی، معانی و مفاهیم متفاوتی را در بر می‌گیرد» (جلالی، فر، ۱۴۰۳: ۳۸۹). بررسی پیشینه این هنر در ایران، نقش، اهمیت و کارکردهای متنوع آن را برابر روش می‌سازد. «دیوارنگاری ایران به عنوان یکی از تجلی‌های فرهنگ و هنر این سرزمین، پیشینه‌های طولانی و چند هزارساله دارد که در طول تاریخ، افت و خیزهای بسیاری داشته است، اما همواره یکی از جلوه‌های فرهنگ و هنرپاک و اصیل ایرانی به‌شمار آمده است». (محمدیگی، ۱۳۸۸: ۷۲) میزان استفاده از این هنر در دوره‌های مختلف بر حسب اوضاع سیاسی- اجتماعی و بر حسب کارکردی که از آن انتظار می‌رفته است، متغیر است. «نقاشی دیواری از دیرباز ابزاری بوده برای ابلاغ پیام، کمک به معماری، زیباسازی چهره‌ی شهری و در نهایت رسوخ در روح و روان مخاطبین گسترده‌ای که هر روزه در آمد و شد زندگی شهری نظرشان به نقاشی‌های دیواری گرایش پیدا می‌کند» (شاملو، ۱۳۷۸: ۲۰).

#### ۳. هویت شهری

هویت شهری، به عنوان موضوع این پژوهش در واقع بستری فرهنگی و اجتماعی است که به‌واسطه برخورداری از نمادها، خصوصیات، خرده

عناصر کالبدی و شکل شهری مشترکی پدیدار شد» (همان: ۱۰۲). اشارات قرآنی به مفاهیم مضادی چون نور و ظلمت، روح و جسم، فرشته و شیطان، کفر و دین، ظاهر و باطن، بهشت و جهنم حکایت از سطوح مختلف حیات دارد که جمعی از اضداد است و این مفاهیم اویزه گوش هنرمندان، متکران و عارفان اسلامی نیز بوده و بر جهان‌بینی و جهان‌زیستی آنان سایه افکنده است (Petrucchioli, 2002: 32).

لازم است الگوی شهرسازی اسلامی و ایرانی برگرفته از الگوی زیست ایرانی- اسلامی باشد؛ چرا که شهر مرتبه عالی زیست اجتماعی است. شهر ایرانی اسلامی به عنوان بخطی گاه کلان هویت ایرانی اسلامی باید چه از نظر کالبدی و چه از نظر فضای معنوی و گرایشات اجتماعی موجود در آن واجد دور کن ملت و آیین باشد و هویت شهری آن در این دو ساحت، برگرفته از فرهنگ ایرانی اسلامی باشد. این خصوصیت می‌تواند به عنوان رویکرد اصلی هنرهای شهری نیز مطرح باشد، زیرا تولید هنری اساساً بر پایه نگرش‌ها و باورهای رایج در جامعه صورت می‌گیرد و هنرهای عمومی باید تابعیت بیشتری نسبت به دیدگاه‌های فرهنگی و سنت اجتماعی داشته باشد. همان‌گونه که ساختار کالبد شهری تحت تاثیر فضای معنوی و فرهنگی شهر شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد، قاعده‌ای هنرهای شهری نیز که به عنوان عناصر واسطه میان کالبد شهری و فضای معماری با فضای معنوی و هویت اجتماعی شهر عمل می‌کند، باید در راستای تعالی این دو ساحت، از طریق تلاش برای هماهنگی و همسان‌سازی آن‌ها به کار گرفته شوند.

### ویژگی‌های دیوارنگاری شهری

دیوارنگاری از جمله هنرهای تجسمی است که در زمینه تولید و بهره‌برداری دارای ویژگی‌های خاص است. ویژگی‌های تولید و عرضه اثر دیواری نسبت به هنر نقاشی یا سایر اقلام موجود در عرصه هنرهای تجسمی دارای بعدی کلان هستند. طراحی و تولید یک اثر دیواری بر حسب نوع، وسعت و محل استقرار آن می‌تواند یک پروژه هنری جمعی تلقی شود که تخصص‌ها، فنون و مهارت‌های متنوعی را در بر می‌گیرد. در بعد از این و بهره‌برداری نیز اثر دیوارنگاری دارای یک ارتباط کلان چه از نظر وسعت و چه از نظر قدمت است. یک دیوارنگاره شهری می‌تواند سالیان متمادی در معرض دید انسوهی از مخاطبان باشد و به صورت اجتناب‌ناپذیر دیده شود.

سه خصوصیت برجسته دیوارنگاری شهری در پیش‌تولید و

طراحی، روش تولید و ارایه اثر به شرح زیر است:

**الف- پیش‌تولید و طراحی موضوعی:** به استثنای برخی آثار خصوصی یا اجرای آثار در شرایط خواصی مانند دوره انقلاب، آثار دیوارنگاری بر مبنای سفارش و پیشنهاد مدیریت شهری یا مراکزی که در این زمینه مجاز به فعالیت هستند، آغاز می‌شود. به دلیل حضور عوامل متعدد در تولید یک اثر دیواری، روند ایده‌پردازی، طراحی، اخذ تاییدیه‌ها و مجوزهای لازم، تولید این نوع از آثار هنری را دارای روشی سازوکارمند و نظاممند می‌سازد. طی مراحل اشاره شده تنها در صورت اعمال نگرش تخصصی و کارشناسانه است که می‌تواند به کیفیت اثر منجر شود و در غیر این صورت، فرآیند فوق صرفاً به اطاله زمان و هزینه‌های تولید منجر خواهد شد.

ب- روش‌های تولید: دیوارنگاری باید به دلیل ضرورت دوام و ماندگاری در برابر عوامل مختلف آسیب‌زا، با مواد و مصالحی ساخته و پرداخته شود که ضمن ثبوت بر روی دیوار یا هر نوع سطح مورد نظر هنرمند، با مصالح آن سطح سازگار باشد. «در طول تاریخ نقاشی دیواری، تکنیک‌های متعدد و بی‌شماری بنا به ضرورت‌های فرهنگی و اقلیمی به وجود آمده است که بر تجربه و مهارت نقاشان دیواری متکی بوده است (اسکندری، ۱۳۷۷: ۶۲) و این مساله ناشی از ضرورت ماندگاری آثار دیواری و تلاش هنرمند برای دستیابی هم‌زمان به خصوصیات کیفی و ماندگاری مواد و مصالح است. همچنین دیوارنگاری در مرحله تولید از ویژگی چندمهارتی و چند تخصصی برخوردار است و با استفاده از تخصص‌ها، مهارت‌ها و حرفة‌های مختلف در جریان سفارش، طراحی، تولید، نظارت، نگهداری و مدیریت اجرا می‌شود.

پ- اجرا و پیاده‌سازی: اثر دیواری در مواجهه با مخاطبان از ارتباطی کلان از نظر زمان، مکان و عمومیت برخوردار است. هرچند این خصوصیات مثبت در صورت بی‌توجهی به عنصر کیفیت و جذابیت در اثر، به مرور زمان به عوامل منفی تبدیل می‌شوند و می‌توانند در اثر، به طرفیت‌های یاد شده می‌تواند به بهره‌برداری مطلوب از اثر دیوارنگاره را به اثر بصری، خشی و حتی زائد تبدیل کند؛ اما توجه کافی به طرفیت‌های یاد شده می‌تواند به بهره‌برداری مطلوب از اثر دیوارنگاری در طول زمان منجر شود. دیوارنگاری «محصول شناخت هنرمند از عوامل و پارامترهایی است که نقاشی دیواری به عنوان هنری چندبعدی به انضمام آن‌ها معنا پیدا می‌کند». (کفشه‌چیان مقدم، ۱۳۸۵: ۴۳) بنابراین روبکرد هنرمند و سفارش‌دهنده اثر باید مبتنی بر شناخت ظرفیت‌های کلان هنر دیوارنگاری در زمینه ارتباط با مخاطب باشد.

### نقش فرهنگی و هنری دیوارنگاری شهری

دیوارنگاری به عنوان یکی از روش‌های نقاشی در ابعاد کلان و عمومی است که از این منظر به نقش هنری و فرهنگ‌ساز نقاشی نیز وسعت می‌بخشد. این هنر «بر مبنای ظرفیت‌های موجود در آن، همواره به عنوان عرصه‌ای مهم برای بیان دیدگاه‌ها، مواضع و بنیان‌های فرهنگی به شمار رفته است. عمومیت نسبی آثار دیوارنگاری و توانایی این آثار در بیان قوی پیام، همواره به آن اهمیت و کاربردی فرهنگی داده است» (زنگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸). نقش فرهنگی و هنری دیوارنگاری از طریق زیبایی و جلوه‌بخشیدن به فضای شهر و بیان مفاهیم موردنظر صورت می‌پذیرد. انتقال پیام در آثار دیواری به دلیل نمایش عمومی پیوسته آن و نیز برخورداری از زبان تصویر که به نسبت دیگر ساختارهای ارتباطی از اشتراک و فراغیری بیشتری برخوردار است، شکلی عمومی و فراغیر دارد. به همین دلیل، در دوره‌های مختلف تاریخی در تمدن ایران، عمدترين پیام‌ها و مفاهیم از طریق آثار دیواری بیان و ثبت شده‌اند.

«خواستگاه فرهنگی آثار دیوارنگاری را می‌توان در عمق‌ترین باورها و ارزش‌های اجتماعی و ضروری ترین مقضیات اجتماعی آن جست. محتوای فرهنگی آثار دیوارنگاری از جمله منابع اطلاعاتی ما پیرامون ساختار و ویژگی‌های فرهنگی جوامع گذشته است و این قابلیت، امروزه نیز برای بازنمایی، اشاعه و تقویت اصول، معیارها و دیدگاه‌های فرهنگی جوامع مورد استفاده قرار گیرد» (همان: ۴۹). برای درک اهمیت سیمای شهر و تاثیر حضور دیوارنگارهای

آن در حوزه مدیریت شهری، مدیران شهری را بر آن می‌دارد تا نوع نگاه خود را نسبت به این هنر اصلاح کنند و با وقوف به تاثیرات اثر نفاسی دیواری بر محیط پیرامونی خود، به آن توجه ویژه داشته باشند» (زنگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۰). بهره‌برداری از تاثیرات اجتماعی دیوارنگاری در راستای هویت‌بخشی و احیای فضای فرهنگی شهر علاوه بر داشتن دانش و مهارت هنری، مستلزم مطالعه و شناخت جامعه مخاطب و علاقمندی‌ها، مقتضیات و نیازمندی‌های آن از سوی سفارش‌دهنده و هنرمند است.

«کیفیت محیط عبارت است از کیفیت فضاهای طبیعی و انسان ساخت در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی، به صورت مشترک؛ که دارای شاخص‌های عینی ناشی از محیط کالبدی (طبیعی و انسان ساخت) و شاخص‌های ذهنی (معرفتی، حسی و رفتاری) ناشی از بهره‌برداران و ساکنان محیط است» (ملکی، حبیبی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). هنر دیوارنگاری در کنار سایر هنرهای شهری می‌تواند از طریق ارایه پیام‌های معرفتی و زیباسازی و تلطیف محیط کالبدی در هر دو شاخص عینی و ذهنی باد شده، ایفای نقش کند.

شهری بر هویت شهر باید توجه داشت که فرهنگ و سلوک فردی شهروندان که فرهنگ جمیع و در نتیجه هویت شهر را شکل می‌دهد حاصل تلفیق ذهنی برداشت‌های تصویری افراد با نگرش‌های ذهنی شان است. این امر حکایت از تاثیر شگرف سیما و جلوه‌های بصری شهر در شکل دهی به ایده‌ها، علاقمندی‌ها و گرایش‌های ذهنی دارد. با توجه به این که دیوارنگاره تصویری پیش‌بینی شده، سنجیده شده و طراحی شده است که با هدف دیده‌شن و موثر بودن اجرا می‌شود، فراتر از تصاویری هدف و اتفاقی که در حین ساخت کالبد شهری به وجود آمده‌اند، می‌تواند بر روی مخاطبان اثر بگذارد. «توجه به دیدگاهی دقیق در مقوله فرهنگ و هویت با توجه به زمان معاصر ضروری است؛ زیرا برای ایجاد هر نوع اثر در شهر با توجه به مخاطب یا شهروند این مهم را باید در نظر گرفت که انسان باید در روند دریافت، تصویری ذهنی را از پدیده‌ای با عینیت موجود (تصویر) تطبیق و بدین ترتیب در فرآیندی قیاسی آن پدیده را تشخیص دهد؛ بنابراین، انباسته‌های ذهنی از تجربیات مستقیم تا زمینه فرهنگی، در دریافت ذهنی وی کاملاً تاثیرگذار است» (مهرین‌فر، بلخاری قهی، ۱۳۹۱: ۳۳).

**ویژگی‌های دیوارنگاری در انتقال پیام و ترویج معنا**  
در میان هنرهای مختلفی که بشر از طریق آن‌ها واحد خلق و انتقال معنا شده است، برخی هنرها از مزیت نسبی عمومیت، کیفیت و گستردگی ارتباط با مخاطب برخوردارند و دیوارنگاری نیز به دلیل نحوه ارایه و ارتباط با مخاطب، کارکردهای وسیع و عمیقی دارد. دیوارنگاری را علاوه بر یک عرصه هنری می‌توان به عنوان یک عامل ارتباطی تلقی کرد و از این منظر، هر دیوارنگاره یک رسانه است که از طریق زبان تصویر و گاه ترکیب آن با نوشتمان، پیام خود را منتقل می‌کند. «رسانه، برگرفته از واژه لاتین مدیوم» است، به معنای «آنچه که در میانه - واسطه قراردارد». کاربرد این واژه در وادی هنر حاکی از آن است که رسانه، مابین آنچه که هنرمند انجام می‌دهد و آنچه که بیننده یا مخاطب می‌بیند و مابین اندیشه و تحقق آن، متجلی است» (زنگی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰).

دیوارنگاری در جایگاه یک رسانه دارای ویژگی‌ها و مزیت‌های ارتباطی است که می‌توان به شرح زیر به آن اشاره کرد:

۱. برخورداری از تنوع شکلی و جذابیت گفتمانی
۲. برخورداری از مشروعيت ناشی از مشروعيت هنر، هنرمند و مضمون
۳. فراگیری پیام و توزیع و ارایه عمومی آن در سطحی وسیع
۴. تداوم زمانی ارایه پیام در اثر ماندگاری اثر دیواری.

«نقاشی دیواری یک رسانه برای ایجاد روابط اجتماعی است و این روابط علاوه بر جنبه‌های فرهنگی، از ساختاری کاملاً اجتماعی نیز برخوردارند» (فهیمی، فر، ۱۳۹۱: ۲۴). براساس وظیفه ذاتی تاثیرگذاری<sup>۴</sup> و ظرفیت‌های ناشی از ارتقای ساختار ارتباطی دیوارنگاری، عمومی‌شدن بیان هنری می‌تواند موجب تأثیرگذاری این هنر در مناسبات اجتماعی و کلیت نظام ارتباطی جامعه شود. هرچند بازدهی و خواش اثر هنری به سواد بصری عمومی جامعه و ادراک بصری مخاطب وابسته است؛ اما آثار دیواری به دلیل ساختار عمومیت یافته‌شان، نسبت به دیگر هنرهای تجسمی شرایط بهتری در برقراری ارتباط با بدن جامعه دارند. «نقاشی دیواری واقعاً هنری اجتماعی و

### ابعاد و کارکردهای اجتماعی دیوارنگاری شهری

یکی از اهداف بنیادی هنرها، تعالی انسان است و بر این اساس منزلت و کارکرد اجتماعی آن‌ها به نسبت گستره و عمق اثرگذاری‌شان در جامعه بیشتر می‌شود. از سوی دیگر «فضاهای شهری محل تعامل مردم و حکومت است و نحوه شکل‌گیری فضاهای شهری، امری کاملاً اجتماعی است» (Varner, 2007: 25). هنر در تعامل با فضاهای شهری می‌تواند واحد خصوصیات اجتماعی و تعامل مردم با حکومت باشد. «ساختار اجتماعی نقاشی دیواری عناصری نظری جایگاه، نفس، کارایی و سازماندهی عوامل فعال در آن را شامل می‌شود که در هر دوره‌ای و بر حسب انتظاراتی که از نقاشی دیواری می‌رود، این عناصر امکان تغییر در تعریف، معیار و عملکرد می‌یابند» (زنگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷).

دیوارنگاری‌ها و دیوارنوشته‌ها کارکردهای متنوع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی و زیبایی‌شناختی دارند و می‌توانند حوزه‌های مختلف اجتماعی را پوشش دهند و به اموری همچون بیان و تبلیغ مواضع فرهنگی، آموزش شهری و مهندسی اجتماعی، تجلیل و تکریم از اسوههای اسلامی و الگوی اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، اطلاع‌رسانی، هویت‌سازی و هویت‌بخشی، حفظ سنت‌ها، تقویت بنیان‌های ملی و تحقق ماهیت انسانگرایی شهرها جامع عمل پیوشاوردند. عملکرد دیوارنگاری در زمینه موارد اشاره شده و کارایی آن در توسعه زندگی شهری، دیوارنگاری را به هنر شهری موثر بر محیط تبدیل کرده است.

«شهر محل زندگی و حضور شهری و دانی است که در آن کار و رفت‌وآمد کرده [و] در تعاملات اجتماعی با یکدیگر دیدار و مراوده می‌کنند و برداش خود می‌افزایند. خود را سرگرم ساخته، تفکر کرده و آمال و آرزوهایشان را می‌پورانند» (حبیب، ۱۳۸۵: ۲۸). دیوارنگاری در صورت توجه و رویکرد مدیریتی تخصصی می‌تواند در جریان این تعاملات اجتماعی نقشی فعال، موثر و پویا داشته باشد. «با توجه به عوامل تاثیرگذار در روند تحول و تکامل نقاشی دیواری به عنوان عامل تاثیرگذار اجتماعی، بهمودر شناخت قابلیت‌های اجتماعی و کارکردی

پر مخاطب است. در این گرایش، هنرمندان تلاش می‌کنند تا با ابداع روابط بصری ممتاز و هماهنگ میان قابلیت‌های بصری موضوع و عناصر بصری در محیط، اثری منسجم و یکپارچه خلق نمایند» (کفسچیان مقدم، ۱۳۸۳: ۶۸).

### عملکرد دیوارنگاری در هویتبخشی به شهر

اشکال هویت‌هایی که با تقسیم کار، جهانی شدن و مدرنیزم در ایران به طور هویت غربی شکل گرفت، شرایطی را به وجود آورد که نه تنها هویت‌های فرهنگی گذشته را تحت تاثیر خود قرارداد؛ بلکه با کثافت هویت‌های فرهنگی و اختلاط‌های مذکور، الگوهای ذهنی و عینی در رویکردهای نظری به توسعه فرهنگی شهرها دچار چندگانگی نظری شد. (همان: ۲۶۹) «در شرایطی که کارکرد و معنا دچار دوگانگی ساختاری هستند، الگوهای ارتباطی اجتماعی بیش از پیش دچار تنفس می‌شوند» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۰) و هنر در این میان نقش کاهنده تنفس را ایفا می‌کند و با معناسازی و هویتبخشی، عرصه روابط اجتماعی را تلطیف می‌کند.

دیوارنگاری می‌تواند نقش هر یک از هویت‌های موجود را در جامعه معرفی کرده و به اشاعه، تحکیم و بازآفرینی هویت شهری کمک کند. «هنر عمومی در فضاهای اجتماعی عمومی دارای کاربردهای گوناگونی می‌باشد از جمله: یادآوری خاطرات، بهبود منظر شهری، کمک به احیای اقتصاد در خلال توریسم و سرمایه‌گذاری، کمک به احیای فرهنگی و هنری، هویتبخشی به جامعه و پاسخگویی به سیاست‌های عمومی ارتقاء زندگی شهری» (مرادی، ۱۳۸۵: ۸۵).

همچنین دیوارنگاری می‌تواند از ساختار چندگانگی یا چند هویتی شهر به عنوان فرصتی برای تنوع‌بخشی محیط استفاده کردد و هر یک از عناصر فرهنگ‌های موجود را به میزان وزن اجتماعی‌شان به صورت عناصری همراستا به کار گیرد. برنامه‌های فرهنگی و هنری و ساماندهی فضاهای طرح‌های فرهنگی شهری نیز باید مبتنی بر هویت متتنوع و به روز شونده شهر باشد. با توجه به این که تولید هنری یکی از تجلی گاههای اصلی رشد، باور، اندیشه و هویت انسانی است، آثار هنری به طور طبیعی در پی بیان این مولفه‌ها هستند و هر رشته هنری به فراخور ساختار تولید و ارایه و نیز خصوصیات ادراکی دریافت کننده از زبان و بیان خاص خود استفاده می‌کند. با این تعریف دیوارنگاری می‌تواند به تشریح و تبلیغ چهارچوب‌های فکری و ذهنی جامعه که عناصر سازنده هویت‌اند، پردازد.

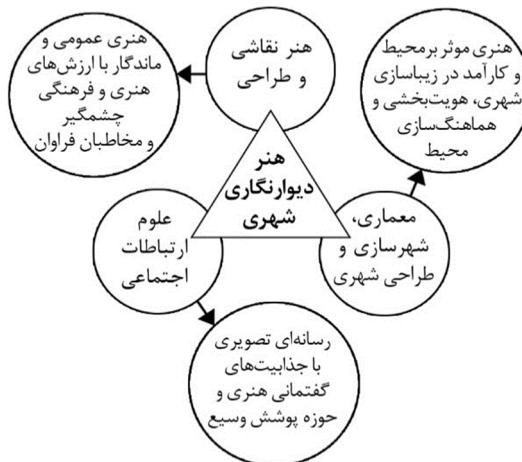
قابل تشخیص، ارزیابی و تحقق است، بر ما روشن می‌سازد که دیوارنگاری شهری به عنوان یک هنر شهری با پشتونهای چشمگیر تاریخی، هنری، فرهنگی و اجتماعی، در زمینه هویتبخشی به فضاهای شهری، از قابلیت‌های ویژه‌ای برخوردار است.

این قابلیت در هویت‌های فرهنگی و معنایی نظری آن چه در هویت ایرانی-اسلامی موردنظر است، اهمیتی دوچندان می‌یابد. چرا که اعلام، اشاعه و تحکیم مواضع فرهنگی و بیان‌های هویتی در شهرهای ایرانی می‌تواند از طریق آثار دیوارنگاری صورت‌گیرد و آثار دیواری به تطبیق سیمای شهر با هویت و فرهنگ آرمانی آن کمک کنند. همچنین این بررسی بر ما روشن می‌سازد که دیوارنگاری از طریق سه رویکرد ارتباطی، هنری و کاربردی در حوزه هنر، ارتباطات اجتماعی و معماري-شهرسازی اثرگذار است و برآیند تاثیرات آن در حوزه‌های یادشده می‌تواند به تبیین هویت شهری از طریق این هنر بیانجامد.

بررسی ظرفیت‌ها و توأم‌ندهای هنر دیوارنگاری به عنوان یک هنر عمومی در زمینه انتقال معنا و پیام به جامعه و ارتباط آن با حوزه‌های مهم هنر، معماری و شهرسازی و علوم ارتباطات اجتماعی نشان می‌دهد که این هنر می‌تواند در زمینه پردازش بازآفرینی و بازنمایی ارزش‌های فرهنگی ایفای نقش کند. کارآیی‌های منتظر بر سه عرصه مرتبط با دیوارنگاری شهری را در نظام شهری می‌توان به شرح نمودار شماره ۲ بیان کرد.

نقش هویت‌ساز دیوارنگاری شهری از طریق شناسایی کارکردهای آن در حوزه‌های پیرامونی اش شامل «هنرهای تجسمی»، «ارتباطات اجتماعی» و «معماری-شهرسازی» قابل شناسایی و معرفی است. بررسی سه محور «ارزش‌های فرهنگی-هنری»، «ظرفیت گفتمانی و رسانه‌ای» و نیز «کارکردهای زیباسازی و تربیتی» به عنوان حوزه‌های مهم اجتماعی که خروجی و تاثیرات دیوارنگاری در آن‌ها

### تحلیل و تفسیر دستاوردها



نمودار شماره ۲: کارآیی‌های متناظر بر سه رویکرد موجود در دیوارنگاری شهری

جدول شماره ۱: کارکرد و نقش رویکردهای سه گانه دیوارنگاری در عرصه هنرهای تجسمی

| رویکرد  | عرضه هنرهای تجسمی  |
|---------|--|
| هنری    | دیوارنگاری زمینه تجلی یکی از اصلیترین و دیربازترین شاخه‌های هنرهای تجسمی است و به عنوان شکل عمومیت یافته هنر نقاشی، امکان ارایه اثر هنری را در ابعاد کلان و جامعه مخاطب گسترشده و نامحدود فراهم می‌آورد.               |
| ارتباطی | ماهیت عمومی و استقرار اثر دیواری در محیط‌های شهری امکان بیان و انتقال گسترشده پیام هنرمند و اثر را فراهم می‌آورد. این جنبه به عنوان مزیتی برای اثر دیوارنگاری در مقایسه با دیگر گونه های هنرهای تجسمی قابل‌داد می‌شود. |
| کاربردی | آثار دیوارنگاری از نظر کاربردی می‌تواند در اثر هم پیوندی با هنر معماری و ایفای نقش در زمینه طراحی شهری، زمینه‌های لازم را برای فعلیت بخشیدن به ظرفیت‌های هنری و زیباشناختی به دست آوردد.                               |

جدول شماره ۲: کارکرد و نقش رویکردهای سه گانه دیوارنگاری در عرصه معماری، شهرسازی و طراحی شهری

| رویکرد  | عرضه معماری، شهرسازی و طراحی شهری  |
|---------|--|
| هنری    | محتوای هنری دیوارنگاری به طراحان و معماران این فرصت را می دهد که در انسانی کردن محیط شهری و دلپذیرساختن فضای معماری، از آن بهره بگیرند.                            |
| ارتباطی | در توجه به ساختار بیانی سازه‌های معماری و ماهیت رسانه‌ای فضاهای شهری، دیوارنگاری به عنوان یک رسانه تصویری موثر می‌تواند در اختیار شهرسازی و مدیریت شهری قرار گیرد. |
| کاربردی | کارکرد تربیتی و زیباسازی آثار دیواری می‌تواند به عنوان عامل مهمی برای تلطیف بنا، زیباسازی و پوشش جداره‌ها مورد استفاده قرار گیرد.                                  |

جدول شماره ۳: کارکرد و نقش رویکردهای سه گانه دیوارنگاری در عرصه روابط اجتماعی و علوم ارتباطات

| رویکرد  | عرضه ارتباطات اجتماعی   |
|---------|---|
| هنری    | دیوارنگاری به عنوان یک اثر تجمیع کلان می‌تواند بر ادراک و سواد بصری مخاطبان اثر بگذارد. کیفیت ارتباط بصری به عنوان یکی از روش‌های مهم ارتباطی، وابسته به میزان سواد بصری مخاطب است. آثار تجسمی و رسانه‌های تصویری می‌توانند سواد بصری جامعه را ارتقا دهند تا شرایط لازم برای ارتباط بصری مطلوب فراهم شود. |
| ارتباطی | ظرفیت ارتباطی دیوارنگاری شهری می‌تواند بسیاری از مقاصد ارتباطات شهری راحقق سازد و مکانیسم ارتباطی آن در اختیار پیام‌ها و محورهایی که باید به جامعه منتقل شوند، قرار گیرد. مدیریت شهری در زمینه ارتباطات شهری می‌تواند از دیوارنگاری شهری به عنوان رسانه‌ای فراگیر استفاده کند.                            |
| کاربردی | کارکردهای تربیتی و زیباسازی دیوارنگاری می‌توانند از طریق هماهنگ سازی، زیباسازی و هویت‌بخشی، محیط شهری را برای جریان گردش اطلاعات و پیام‌ها مساعد کند و در زمینه ارتباطات اجتماعی فضایی پذیرا و مطلوب فراهم کند.   |

## پیوشت‌ها

۱. دایرهالمعارف بریتانیا واژه ترکیبی نقاشی دیواری را نوعی از نقاشی تعریف کرده است که برای تزیینات روی دیوارها و سقف بنا به کار می‌رود (Britannia, v.15, p. 969).

۲. این هنر در طول تاریخ حیات بشر، تداوم داشته و اولین محصول گرایش بشر به بیان هنری قلمداد می‌شود که ضمن تقدیم زمانی بر سایر هنرها، به لحاظ فراوانی و تداوم حضور در جوامع، تمدن‌ها، و دوره‌های تاریخی مختلف و همچنین نوع کاربرد، بر سایر رشته‌های هنری مقدم است.

قییمی ترین نقاشی‌های دیواری مربوط به دوره پارینه‌سنگی با قدمتی حدود ۳۰ هزار سال مربوط به غارهای آلتامیرا در شمال اسپانیا و غارهای لاسکو در جنوب فرانسه است (گاردنر، ۱۳۸۱). قییمی ترین نمونه‌های بدست آمده در ایران مربوط به غارهای میرملاس و هومیان است. توجه و تأکید بریاورها و اعتقادات مذهبی در ایران دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، نحوه اجرای آثار، عناصر بصری به کار رفته، مضامین و پیامهای آن‌ها را تعیین کرده است.

3. Medium

4. In Fluention

5. Sharon Zukin (1997)

6. interaction

## فهرست منابع

### منابع فارسی

اسکندری، ایرج، (۱۳۷۷)، بررسی و تحلیل نقاشی دیواری از ماقبل تاریخ تا عصر حاضر، ماهنامه هنرها تجسمی، شماره ۴.

بیجاری، مژگان، سمر، کبیر، (۱۳۸۷)، کاربرد رنگ در شهر، نماد گلستان، شماره هشتم.

جلالی فر، فرزانه، (۱۳۸۹)، از تاریخ نگاری تا دیوارنگاری تاریخی، روزنامه شرق، سیزدهم مهر.

حیبی، فرج، (۱۳۸۵)، همایابی نور و رنگ در فضای شهری ایرانی، فصلنامه علمی پژوهشی هنرها زیبا، شماره ۲۷.

زنگی، بهنام، آیت‌الله، حبیب‌الله، فهیمی‌فر، اصغر، (۱۳۹۱)، بررسی موقعیت اجتماعی نقاشی دیواری پس از انقلاب در ایران (با رویکرد جامعه‌شناسی پی‌بر بوردبیو)، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، شماره ۲۳.

زنگی، بهنام؛ آیت‌الله، حبیب‌الله، طاوی، محمود، فهیمی‌فر، اصغر، (۱۳۹۱)، بررسی ظرفیت‌های ارتباطی نقاشی دیواری؛ مقایسه نظام ارتباطی نقاشی دیواری با نقاشی سه‌پایه‌ای، فصلنامه علمی پژوهشی نامه هنرها تجسمی، شماره ۱، پاییز و زمستان.

شاملو، غلامرضا، (۱۳۷۸)، بررسی جنبه‌های تبلیغی نقاشی دیواری، رساله دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنمای: دکتر محمد کاظم

## حسنوند

شفیعی کمال آباد سعید، (۱۳۹۱)، مبانی نظری توسعه فرهنگی شهرها، مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، تهران: نشر تیسا.

فهیمی‌فر، اصغر، (۱۳۹۱)، ضرورت آموزش نقاشی دیواری در دانشگاه‌ها، فصلنامه پژوهش هنر، شماره نخست، ۲۵-۲۳.

کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، مترجم: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.

کشچیان مقدم، اصغر، (۱۳۸۳)، بررسی ویژگی‌های نقاشی دیواری، فصلنامه علمی پژوهشی هنرها زیبا، شماره ۲۰، ۶۷-۷۸.

کشچیان مقدم، اصغر، (۱۳۸۵)، چگونه یک نقاشی دیواری را ساماندهی کنیم، ماهنامه هنرها تجسمی، شماره ۲۵.

گاردنر، هلن، (۱۳۸۱)، هنر در گذر زمان، ترجمه: محمد تقی فرامرزی، تهران: انتشارات نگاه

محمدی‌بیگی، مینا، (۱۳۸۸)، «نقاشی دیواری» ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان، شماره ۵۹-۵۰.

مرادی، سلمان، (۱۳۸۶)، «هنر عمومی و تلفیق آن در فضای شهری»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۸.

معیدفر، سعید، (۱۳۹۱)، مدل مطلوب مدیریت و توسعه فرهنگی شهر تهران، مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، تهران: نشر تیسا.

ملکی، لادن، حبیبی، مینتا، (۱۳۹۰)، ارزیابی کیفیت محیط در محله‌های شهری، فصلنامه علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، شماره ۷.

ملکی، محمدرضا، پارسا، سپیده، مرادی، ابراهیم، وثیق، بهزاد، (۱۳۹۲)، بازناسی معماری و شهرسازی اسلامی در دوران معاصر، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال سوم، شماره ۱۲-۱۰۱، ۱۰۷-۱۰۱.

مهین فر، فاطمه، بلخاری قهی، حسن، (۱۳۹۱)، جایگاه هویت نظام بصری تهران قدیم و کاربرد آن در دوره معاصر، مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، تهران: نشر تیسا.

## منابع غیرفارسی

- Azadi, Bahamin, 2012, Art | Painted Politics: The Mural in Modern Iran. ENCYCLOPEDIA BRITANNICA. www.britannica.com/EBchecked/topic/397882/mural Varner, Stewart, 2007, Youth claiming space: the case of Pittsburgh Mr. Robot project in youth cultures subcultures tribes, eds. By Paul Hodkinson and Wolfgang Deicke, London: Routledge, 161-175. Petruccioli, attilio, Khalil k. pirani, (2002), understanding Islamic architecture, aga khan program for Islamic architecture Rutledge. Zukin, Sharon(1997), The Culture of Cities, Cambridge,London: Blackwell